

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش علمای شیعه در گسترش اخلاق تربیت فرزند

حمزه علی اسلامی نسب^۱

زهره شیخی^۲

یکی از شاخه های اخلاق کاربردی، اخلاق تربیت فرزند است که در ادیان الهی از جمله دین مبین اسلام به آن پرداخته شده است. آثار متعددی در دین اسلام وجود دارد که اگر چه به ظاهر خطاب به فرزند است و با عبارت «یا بنی» آغاز می شود لکن عمدتاً دستورالعمل هایی هستند که حتی پیران سالخورده و مردان تجربه آموخته از مضامین عالی آنها بی نیاز نیستند. این دستورالعمل ها از صدر اسلام تاکنون وجود داشته است که از مهمترین آنها می توان به وصایای امام علی علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهم السلام اشاره کرد. وصیای ابوحنیفه به فرزندش حماد نمونه دیگری از این وصایا می باشد. از جمله رساله های دیگری که در این عرصه تدوین شده می توان به رساله /یها الولد ابو حامد غزالی و قابوسنامه امیر عنصرالمعالی قابوس بن وشمگیر اشاره کرد. ما در این نوشتار برآنیم تا ضمن برشماری تالیفاتی که علمای شیعه از جمله خواجه نصیرالدین طوسی، علامه دوانی، شیخ محمد بهاری و ... در آن به تربیت فرزند پرداخته اند، اهمیت و سیر تاریخی آنها را نیز بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: اسلام، تربیت فرزند، امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسن (ع)، خواجه نصیرالدین طوسی.

مقدمه

^۱ . استاد همکار گروه حکمت و مطالعات ادیان، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران - (islaminasab@hotmail.com)

^۲ . فارغ التحصیل کارشناسی دانشگاه پیام نور قم

در طول تاریخ، اخلاق همواره به عنوان مسئله‌ای اساسی در زندگی انسان‌ها مطرح بوده و تلاش نموده است تا نحوه رفتار هر انسانی را در ارتباط با خدا، دیگر انسان‌ها، حیوانات و طبیعت مشخص می‌کند. عالمان اسلامی نیز از همان صدر اسلام به تبعیت از دستور قرآن کریم و پیامبر گرامی اسلام سعی در تبیین اخلاق و نهادینه ساختن آن در زندگی انسان مسلمان بوده‌اند که این امر در قالب‌های متعددی از جمله نگاشته‌های اخلاقی بروز کرده است. آنان در کنار پرداختن به مباحث نظری، به اخلاق کاربردی نیز توجه کرده‌اند. وظیفه اخلاق کاربردی عمدتاً پاسخ به سوالاتی در رابطه با چگونگی ارتباط و رفتار با هریک از موارد پیش گفته است.

برای بررسی نقش علمای شیعه در اخلاق کاربردی به دو شیوه می‌توان عمل کرد، یکی شخص محور بدین صورت که علمای شاخصی که آثاری درباره اخلاق کاربردی داشته‌اند به تربیت تاریخی ذکر و آثارشان تحلیل شود، و شیوه دوم به صورت موضوع محور بدین صورت که موضوعاتی از اخلاق کاربردی عنوان قرار داده شوند و کارهایی که علمای شیعه در طول تاریخ در این زمینه انجام داده‌اند به اختصار تمام گزارش و تحلیل شوند. در مقاله شیوه دوم برگزیده شده است و به تناسب موضوع، کارهایی را که هر یک از علمای شیعه انجام داده‌اند گزارش و تحلیل می‌شود.

تعریف و قلمرو اخلاق کاربردی

اخلاق، جمع خُلُق و خُلُق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ و نقطه مقابل آن خُلُق است که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود که با چشم قابل رؤیت است. (الزبیدی، بی تا، ۶: ۳۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۶، ۴: ۱۹۴) و معنای اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از صفات نفسانی راسخ و پایداری که باعث می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و اندیشه از آدمی صادر شود. (ابن مسکویه، بی تا: ۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۷: ۳۷۲)

درباره اخلاق کاربردی که اخلاق عملی (practical ethics) نیز نامیده می‌شود طیفی از تعاریف محدود تا وسیع وجود دارد. یکی از تعریف‌های محدود اخلاق کاربردی عبارت است از «کاربرد نظریه‌های اخلاقی کلی در مسائل

اخلاقی کلی در مسائل اخلاقی با بی طرفی در حل این مسائل»، و تعریف وسیعی نیز از اخلاق کاربردی وجود دارد که عبارت است از «هر گونه کاریست انتقادی روش های فلسفی برای سنجش تصمیمات عملی اخلاقی و مواجهه با مسائل، رفتارها و سیاست های اخلاقی در حرفه ها، تکنولوژی، حکومت و غیره» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۲۳)

اخلاق کاربردی دارای گستره گوناگون معرفتی است و حوزه های مختلفی را در بر می گیرد همچون اخلاق زیستی، اخلاق خانواده، اخلاق قانونگذاری، اخلاق روابط بین الملل، اخلاق حرفه ای، اخلاق کسب و کار، اخلاق اطلاعات، اخلاق جنسی و ... این خصلت باعث تنوع خیره کننده ای در اخلاق کاربردی شده است چنان که امروزه تنها در اخلاق مدیریت شاهد شاخه های نوظهوری چون اخلاق مدیریت سرمایه، اخلاق مدیریت بازرگانی، اخلاق مدیریت شهری و ... هستیم که این امر در اخلاق های دیگری چون اخلاق زیستی، اخلاق بیوانفرماتیک و ... نیز وجود دارد. (فرامرزی، ۱۳۸۹: ۳-۴)

اخلاق تربیت فرزند

یکی از شاخه های همسو با اخلاق علم آموزی و دانشوری، اخلاق تربیت فرزند است. خلیل بن احمد فراهیدی ریشه آن را به معنای زیادت می داند. به عنوان نمونه وقتی می گوئیم رَبَّ الْجَرَحِ و الْأَرْضِ و الْمَالِ و كُلِّ شَيْءٍ يَرْبُو رَبُّوْهُ هَنَگامی است که بدان افزوده شود و بیش از این مطلبی را بیان نمی دارد. (فراهیدی، بی تا، ۸: ۲۸۴) در لسان العرب نیز تربیت از ریشه (ربو) به معنای زیادت گرفته شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۰، ۵: ۱۲۶).

در تعریف اصطلاحی تربیت، برخی از فلاسفه یونان مانند افلاطون معتقدند که تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعداد های طبیعی و شکوفا ساختن آنها. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴ ش، ۱: ۱۶۷-۱۷۳)

اندیشمندان اسلامی مانند فارابی در تعریف تربیت می گویند: تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴ ش، ۱: ۳۷۴-۴۶۱)

واژه تربیت در بحث تربیت انسان، بر پرورش استعدادهای انسان یعنی فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند. (ابوطالبی، ۱۳۸۸ش: ۱۷) و از آنجا که دین در انسان‌ها امری فطری است، تربیت دینی انسان را باید به معنای فراهم کردن زمینه‌های شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در اعمال عبادی وی معنا کرد. (ابوطالبی، ۱۳۸۸ش: ۲۳)

تربیت فرزند از بنیادی‌ترین مسائل تربیتی شمرده می‌شود، و سنگ زیرین تربیت‌های بعدی است، از این رو در قرآن کریم و روایات پیامبر گرامی اسلام و امامان علیهم السلام شاهد تأکید بر این قضیه هستیم. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فرزندان خود را گرامی دارید، و آنها را نیکو تربیت کنید.»^۳ (ری شهری، ۱۳۸۲ش: ۵۵۳، حدیث ۶۷۷۲) و علی (ع) فرمود: «حق فرزند بر پدر این است که اسم نیکو برای او انتخاب کند، و نیکو تربیتش نماید، و قرآن را به او بیاموزد.»^۴ (همان: ۵۵۳) و حضرت امام سجّاد (ع) نیز در مقام تربیت فرزند و مسئولیت سنگین الهی آن از پیشگاه خدا استعانت می‌جوید و عرضه می‌دارد. ایشان در دعای بیست و پنجم صحیفه سجّادیه می‌فرمایند: «(بارالها!) مرا در تربیت و تأدیب و نیکی فرزندانم یاری نما.»^۵ (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۶ش: ۱۷۰) در مهم بودن این مساله همین بس که امام سجّاد علیه السلام با تمام عظمت و عصمتش از خدای متعال طلب استمداد می‌کنند.

در این رابطه آثار متعددی وجود دارد که گرچه به ظاهر خطاب به فرزند است و با عبارت «یا بنی» آغاز می‌شود لکن عمدتاً دستورالعمل‌هایی هستند که حتی پیران سالخورده و مردان تجربه‌آموخته از مضامین عالی آنها بی‌نیاز نیستند. در حقیقت این گونه نصایح یا وصایا برای هر فردی نافع و سودمند است. (غفرانی، ۱۳۵۵، ۴۱)

این دستورالعمل‌ها نه تنها در اسلام بلکه در ادیان الهی و آیین‌های گذشته نیز وجود داشته است و قرآن کریم برخی از آنها از جمله وصایای جناب لقمان به فرزندش را در قرآن کریم مطرح کرده است. (سوره لقمان)

۳. اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم

۴. حقّ الولد علی الوالدان یحسن اسمه و یحسن ادبه و یعلّمه القرآن

۵. و اعنی علی تربیتهم و تأدیبهم و برهم

امامان شیعه نیز به تبعیت از کلام وحی به این امر اهتمام داشته اند که از مهمترین آنها می توان به وصایای امام علی علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهم السلام اشاره کرد. در روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده است که خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) فرمودند: «فرزندم، قبل از این که دل نرم تو سخت، و فکرت مشغول شود، من به تربیت تو اقدام کردم» (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹ش، نامه ۳۱: ۵۲۲)

ایشان در نامه ۳۱ فرزند خود را مخاطب قرار داده و در طی آن جامعه اسلامی را تعلیم می دهد که چگونه با فرزندان خویش رفتار کنند و در تربیت آنها از چه اهرمهایی استفاده نکنند. ایشان در ابتدا خود را پدری فانی می داند که در جایگاه گذشتگان مسکن گزیده و کوچ کننده فردا می باشد و در تلاش است تا به فرزندش آرزومند وصیت کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۲۵۹؛) حضرت در ادامه نکاتی همچون: پدر قبل از دیگران دل جوانش را فتح کند. (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹ش، نامه ۳۱: ۵۱۸)

و بیان احکام حلال و حرام (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹ش، نامه ۳۱: ۵۲۲)؛ تحکیم اعتقاداتی همچون توحید و یگانگی خدا ۴۴ (همان: ۵۲۳ - ۵۲۴) ساده بیان کردن مسائل (همان: ۵۲۱)؛ دوری از خود بزرگ بینی و حرص (همان: ۵۲۶)؛ حفظ کرامت انسانی (همان: ۵۳۲) و ... را مطرح می کند.

امام حسن و امام صادق علیهم السلام نیز در باب اخلاق تربیت فرزند سخنانی دارند. چنانکه از مهمترین روایاتی که از امام صادق (ع) نقل شده مربوط به مراحل تربیتی کودک است که مناسب ترین و معروف ترین طبقه بندی در این زمینه به شمار می رود. ایشان می فرمایند: «کودک خود را رها کن تا هفت سال بازی کند، سپس او را به مدت هفت سال تربیت کن، و به مدت هفت سال دیگر مشاور و ملازم خود قرار بده؛ اگر در این امر موفق گشتی چه بهتر، و در غیر این صورت هیچ خیر و ثمری در او نخواهد بود.» (ری شهری، ۱۳۸۱ش، ۱: ۱۰۵).

امام رضا علیه السلام نیز در موارد متعددی به این مساله مهم اشاره کرده و مواردی چون نماز خواندن (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳، ۳: ۴۳۶) آموزش قرآن (آشتیانی و شاگردان، ۱۳۶۳، ۲: ۱۰۹۹)؛ کمک به نیازمندان (عطاردی، ۱۴۰۶، ۲: ۲۰۷) توصیه شده است. علاوه بر روش های تئوری و نظری، شاهد روش های عملی و کاربردی همچون روش

۶. امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «برای خانه های خود، نصیب و بهره ای از قرآن (به تلاوت آن) قرار دهید. زیرا هرگاه قرآن در خانه خوانده شود، (در رزق و روزی و سایر امور) بر اهل آن گشایش و آسایش قرار داده شود (و خیر و برکت و لذت زندگی در آن بسیار گردد)، و ساکنین آن در معرض ازدیاد و افزایش نعمت باشند و چون در خانه قرآن خوانده نشود فشار و سختی (و گرفتاری در امور دیگر) بر اهل آن رو آورد و خیر و نیکی و برکت آن کاهش یابد و ساکنین آن در کمبود (نعمت و شادی و نشاط) باشند.

عادلانه (عطاردی، ۱۴۰۶، ۲: ۲۷۷) روش دوست یابی (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۱: ۱۷۷) و ... نیز در سیره امام رضا(ع) می باشیم.

همانگونه در ابتدای این مقاله بیان شد تاریخ نگاری اخلاقی در بحث تربیت فرزند از همان صدر اسلام آغاز می شود. از جمله کتاب هایی که در سده نخست هجری نگاشته شد می توان به کتاب *زاد/نفروخ* در تربیت فرزندش، پندنامه کسرا نوشیروان به فرزندش که نام عربی آن به روایتی *عش/البلاغه* و به روایتی دیگر *عین/البلاغه* می باشد و نیز پندنامه اردشیر بابکان به فرزندش شاهپور اشاره کرد. علاوه بر آنها وصایای افلاطون نیز با نام *آداب/الصبيان* ترجمه ابو عمر و یوحنا بن یوسف کاتب ترجمه شد و اسحاق بن حنین نیز از وصایای افلاطون ترجمه ای دیگر با عنوان و ترجمه ای دیگر از آن با نام *وصیة/افلاطون فی تأدیب الاحداث* ارائه کرد.

از میان علمای اهل سنت که به مباحث تربیت فرزند پرداخته اند می توان به وصیای ابوحنیفه به فرزندش حماد اشاره کرد. علاوه بر آن امیر عنصرالمعالی قابوس بن وشمگیر نیز در *قابوسنامه* مجموعه نصیحت هایی را برای فرزندش گیلانشاه به یادگار گذاشته است.^۷ علاوه بر آن می توان *احیاء علوم الدین* امام محمد غزالی^۸ و نیز *ریاضة الصبيان* شمس الدین انبایی یاد کرد.

اما از میان مهمترین علمای شیعه که به مباحث تربیت فرزند پرداخته اند می توان به خواجه نصیرالدین طوسی (۵۷۹-۶۷۲) ملقب به «استاد البشر»، «عقل حادی عشر» و «معلم ثالث» (مدرسی، ۱۳۷۰، ۴) اشاره کرد که از مشهورترین نویسندگان در عرصه اخلاق به شمار می رود که علاوه بر *الادب الوجیز للولد الصغیر*، دو اثر مستقل دیگر نیز درباره اخلاق تالیف کرده است. یکی *اخلاق محتشمی* و دیگری *اخلاق ناصری* است که پس از آن نگاشته شده است.

کتاب *الادب الوجیز للولد الصغیر* تالیف عبدالله بن مقفع (داذبه فرزند دادگشسب) (۱۴۵ م هـ ق) نویسنده عالیقدر ایرانی است. لکن متأسفانه متن عربی رساله *الادب الوجیز للولد الصغیر* چون کتاب *خدا/ینامک* و *آیین نامک* مفقود شده است.

^۷. قابوس بن وشمگیر، امیر عنصرالمعالی کیکاوی بن اسکندر، ۱۱۳۳۵ش، قابوس نامه، با تصحیح و مقدمه و حواشی دکتر امین عبدالمجید بدوی، کتابفروشی ابن سینا، چاپ اول

^۸. نک: غزالی، محمد (۱۴۲۶)، *احیاء علوم الدین*، دار ابن حزم، الطبعة الاولى، صص ۹۵۵-۹۵۸

(غفرانی، ۱۳۵۵، ۴۲) اگرچه ابن مقفع نویسنده ای غیر شیعی است لکن این کتاب بعدها توسط خواجه نصیرالدین طوسی به سبکی شیوا به فارسی ترجمه شده است و آیات و اشعاری به آن افزوده شده و رنگ و بوی شیعی به آن داده شده است.

اگرچه برخی همچون عباس اقبال آشتیانی با اندکی تردید در انتساب این ترجمه این کتاب به خواجه طوسی سخن گفته اند اما محققانی چون دکتر محمد غفرانی (غفرانی، ۱۳۸۷: ۶۲) و ملک الشعرای بهار (همان) در صحت انتساب ترجمه *الادب الوجیز للولد الصغیر* به خواجه طوسی تردید ندارند.

الادب الوجیز للولد الصغیر رساله‌ای است در پنجاه و یک فصل و مشتمل بر آداب و مواعظ و اخلاق و نصایح که در مجموع شامل چهل و نه اندرز می‌باشد که ابن مقفع آن را از رساله‌های فارسی پهلوی پیش از اسلام ترجمه کرده و در تأدیب و تعلیم پسر خود به زبان عربی نگاشته است. اهمیت آن همین بس که شادروان استاد اقبال آشتیانی نگاشته مذکور را رساله ای می‌داند که در نهایت سلاطین عبارات نوشته شده و از نمونه‌های بسیار خوب نثر فارسی در قرن هفتم است که اگر صحت انتساب اصل آن به ابن مقفع و ترجمه آن به خواجه نصیر چنانکه ظن آن می‌رود مسلم شود سزاوار است که آن را جهت تعلیم دقائق عالیّه مربوط به معاش و معاشرت و آموختن انشاء سالم متین در ردیف کلیه بهرامشاهی و گلستان سعدی و جهانگشای جوینی در مدارس تشویق کنند. (ابن مقفع، ۱۳۱۲، یا-بب)

خواجه نصیرالدین طوسی علاوه بر ترجمه *الادب الوجیز للولد الصغیر* نگاشته دیگری با عنوان اخلاق ناصری دارد که تالیف آن به احتمال زیاد در سال (۶۳۳ هـ ق / ۱۲۳۶) به پایان رسیده است. (هانری دو فوشه کور، ۱۳۷۷: ۶۱۱)

خواجه در مقدمه اخلاق ناصری بیان می‌کند که ناصرالدین محتشم قهستان از او خواسته بود که *تهذیب الاخلاق* ابن مسکویه را به زبان فارسی ترجمه کند. از این رو هنگامی که مشاهده کرد تهذیب الاخلاق شامل دو بخش مهم حکمت عملی -تدبیر منزل و سیاست مدن- نمی‌شود کتابی نگاشت که بتواند هر سه بخش حکمت عملی را در آن مطرح کند. (طوسی، ۱۳۶۴، ۱: ۶) در نتیجه *اخلاق ناصری* در سه مقاله و سی فصل به نگارش درآمده است که مقاله اول در

تهذیب اخلاق است و خود مشتمل بر دو قسم است قسم اول در مبادی می باشد که هفت فصل دارد و قسم دوم در مقاصد که مشتمل بر ده فصل می باشد.

اما مقاله دوم در تدبیر منزل با پنج فصل است که خواجه آن را از رساله مختصر تدبیر منزل نوشته نویسنده گمنام نوفیثاغورثی به نام ابروسن یونانی که به زبان عربی ترجمه شده بود گرفته و تغییراتی را در آن ایجاد کرده است. (طوسی، ۱۳۶۴، ۱: ۸۲). در مقاله دوم که مشتمل بر پنج فصل است به تدبیر اولاد پرداخته و نصیحت هایی را برای چگونگی تربیت فرزند ارائه می دهد. و مقاله سوم در سیاست مدن و هشت فصل را شامل می شود. در نهایت این فصل با قسمتی از وصایای منسوب به افلاطون تمام می شود. با بررسی کامل/اخلاق ناصری می توان به این نتیجه رسید که این کتاب به آداب ملوک و اتباع ملوک و سیاست ملوک، اقسام اجتماعات و شرح احوال مدن و علت احتیاج به تمدن و تدبیر منزل که شامل تدبیر اموال و اقوات، تدبیر اهل، تدبیر اولاد، و تدبیر خدم و عبید می باشد می پردازد.

از جمله دانشمندان دیگری که در این عرصه به تالیف پرداخته جلال الدین محمدبن اسعد دوانی(مشهور به علامه دوانی) از علمای قرن نهم و اوائل قرن دهم هجری که ابتدا سنی شافعی بود و سپس شیعه گردیده است. (تهرانی، ۱۳۵۷، ۱۸، ۳۵۹؛ مدرس، ۱۳۶۹، ۲: ۲۳۲) از برخی فقرات این کتاب استفاده می شود که این کتاب قبل از تشرف وی به مذهب تشیع نگاشته شده است لکن ارادت وی به ساحت علوی نسبت به دیگر صحابه در کتاب مشهود است.(جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۱۵۱) این دانشمند بلندپایه و پرآوازه مکتب شیراز پیش از صفوی کتاب خود را به تبعیت از/اخلاق ناصری نگاشته است و برای ایجاد سهولت در القای معانی و قابل فهم کردن مطالب برای خوانندگان، بسیاری از مطالب را ساده و خلاصه کرده است. دوانی توانست در عین انطباق مطالب کتاب با اصول حکمت عملی، برای مستند کردن آنها از آیات قرآن و احادیث نبوی، روایات اهل بیت علیهم السلام، ذوقیات اهل کشف و ... کمک گرفت./اخلاق جلالی همانند/اخلاق ناصری از جمله کتاب هایی است که هر سه بخش حکمت عملی - اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن- را شامل می شود. اخلاق جلالی یا لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق که به کتاب فی علم اخلاق نیز مرسوم است که به ازون حسن بیک آق قویونلو (۸۷۱ - ۸۸۲) اهدا گشته و برای فرزندش سلطان خلیل نوشته شده است و مدت زمان تدوین آن از سال ۸۷۲ تا ۸۸۲ بوده است.

این کتاب شبیه /اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی بوده و همان تقسیمات سه گانه خواجه نصیر را در نگاشته خود ذکر کرده است ولی به جای مقالات عنوان لوامع را انتخاب نموده است که از دیدگاه بسیاری این امر نشانه تفاوت دو دیدگاه مشائی خواجه طوسی و اشراقی دوانی^(۴) است. (یارشاطر، ۱۳۵۴: ۱۳۴۳-۱۳۴۴)

دوانی در این اثر بیشتر به اخلاق فردی و سیاست مدن پرداخته است. این کتاب از یک «تمهید» و هفت «مطلع» و سه «لامع» شکل گرفته و هر لامع مشتمل بر چند «لمعه» می باشد. عنوان لامع نخست «در تهذیب اخلاق» است که مشتمل بر ده لمعه با عناوینی همچون حصر مکارم اخلاق، فضایل چهارگانه حکمت، شجاعت، عفت و عدالت می باشد. لامع دوم «در تدبیر منزل» نام دارد و شامل شش لمعه با نام هایی همچون سبب احتیاج به منزل، سیاست اقوات و اموال، سیاست اهل، سیاست اولاد، رعایت حقوق پدران و مادران و در نهایت ساست خدم می باشد. خواجه طوسی در بحث سیاست اولاد مباحثی که به تربیت فرزندان ارتباط دارد را بیان می کند که از جمله آنها می توان به مباحث آداب سخن گفتن، حرکت و سکون، و طعام خوردن اشاره کرد. لامع سوم در «در تدبیر مدن و رسوم پادشاهی» است و لامع های دیگر نام هایی چون در احتیاج انسان به تمدن، در فضیلت محبت، در اقسام مدینه، در سیاست ملک و آداب ملوک و ... را دارند.^۹

علامه دوانی علاوه بر *لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق* نگاشته ای با عنوان *رساله فی تربیه الاولاد*^{۱۰} دارد که در حوزه اخلاق کاربردی و در ۲۱ محرم سال ۹۰۴ قمری نگاشته شده است. این رساله در سه صفحه و دقیقاً در همان موضوع *لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق* تالیف شده است.

تفاوت رساله *فی تربیه الاولاد بالوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق* در این است که اگرچه در دومی به مباحثی چون آداب سخن گفتن، حرکت و سکون، و طعام خوردن اشاره شده لکن مباحث مربوط به تعلیم و تربیت علمی و دانشی

^۹. رک: /اخلاق جلالی، به کوشش عبدالله مسعودی آرائی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰.

^{۱۰}. از این رساله سه نسخه موجود است. ۱- نسخه مسجد اعظم، شماره ۲۵۹۲؛ ۲- نسخه دانشگاه تهران، شماره ۱۰۱۵؛ ۳- نسخه مجلس، شماره ۱۰۰۵۹.

اطفال مطرح نشده است. در نتیجه امتیاز رساله فی تربیه الاولاد در این است که در آن درباره آموزش و تحصیلات دانشجویان و طلاب و متون و مراحل درسی سخن رفته است.

این رساله از دوبخش تشکیل شده است. در بخش اول به مهمترین نکات نظام تعلیم و تربیت اولاد در عهد صفوی اشاره شده است. علامه دوانی در پاراگراف اول در پاسخ به این سوال که نخستین دانشی که باید به فرزند و دانشجو یاد داد چیست؟ می گوید: رسم قدما بر این بوده است که دو درس «اخلاق» و «ریاضی و هندسه» را تعلیم می دادند. بخش دوم نیز شامل اجازه علمی و روایتی ای می شود که از سوی علامه دوانی برای سید غیاث الدین محمد میرمیران، یکی از بزرگان سادات و در واقع نقیب سادات شیراز صادر شده است.

از جمله تالیفات مهمی که بخشی از آن اختصاص به تربیت اولاد دارد کتاب *المحجۃ البیضاء* نگاشته ملامحسن فیض کاشانی است. نام اصلی وی محمد محسن بن شاه مرتضی بن شاه محمود معروف به فیض و از نوابغ علم در قرن یازدهم هجری است که در شهر قم متولد شد و سپس به کاشان نقل مکان کرد. وی هنگامی که پی برد علامه بحرانی وارد شیراز شده برای کسب علم به شیراز رفت و پس از فراغت از تحصیل با دختر ملاصدرا ازدواج و همراه با صدرای شیرازی به کاشان بازگشت و در نهایت در سال ۱۰۹۱ در کاشان از دنیا رفت. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ۱: ۴۵-۴۶)

در واقع کتاب *المحجۃ البیضاء* پیراسته کتاب *احیاء العلوم* امام محمد غزالی است و ترتیب مسائل در هر دو کتاب بسیار به هم نزدیک است. فیض کاشانی مانند غزالی در کتاب *ریاضۃ النفس* بخشی را با عنوان *ریاضۃ الصبیان* به تربیت و تمرین دادن کودکان اختصاص می دهد. وی کودک را همانند امانتی می داند که در دست والدین است و از آنجا که دل پاک کودک مانند گوهری گرانبها و خالی از هر نقش و صورتی است شایسته است که والدین او وی را به کار خوب عادت داده و تعلیم دهند. و والدین و تمام معلمان و مربیان در کارهای خیر و ثواب کودک شریکند. و اگر به بدی خو بگیرد بدبخت و هلاک شده و گناهانش در گردن والدین و سرپرستان او خواهد بود. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۷۲) وی در ادامه به ستایش کردن کودک می پردازد که این امر باید از جانب والدین در هنگامی انجام پذیرد که اخلاق نیک و کار ستوده از کودک بروز کند. و اگر احیاناً یک بار کار خلافی از وی سرزند باید آن کار خلاف نادیده

گرفته شود تا پرده اش دریده نشود و خلافتش افشا نگردد. و اگر دوباره گناه کرد شایسته است که والدین در نهان او را سرزنش کنند و خلاف او را بزرگ بدانند و او را از کارهای مانند آن برحذر دارند. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۷۵-۱۷۶)

یکی دیگر از تالیفات مهمی که در باب آداب تربیت فرزند تالیف یافته کتاب *تذکره المتقین* شیخ محمد بهاری است. این عارف برجسته در بخش پنجم کتاب به آداب تربیت اولاد می پردازد و در ابتدا خطاب به والدین، آنان را ولی نعمتانی می داند که خدای متعال به آنان اولاد را به عنوان نعمت و امانت اعطا کرده است. از این رو ولی نعمتان باید از هر گونه خیانت به امانت الهی خودداری کرده و از تفریط در حق فرزندان خودداری شود که در غیر این صورت از جانب خدای متعال مواخذه خواهند شد. وی در ادامه به وظایف ولی نعمتان اشاره می کند که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد. ترغیب فرزندان بر آداب شرعی، ذکر کردن خوبی های مردان نیک در نزد فرزند و مدح و ستایش خوبی های وی و (بهاری همدانی، ۱۳۶۱ش: ۳۶-۳۷)

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب رازی، ملقب به «مسکویه»، معروف به معلم «ثالث»، «خازن» و «ندیم» در سال ۳۲۰ ق در ری به دنیا آمد و در سال ۴۲۱ ق در اصفهان در گذشت.

در کتاب *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق* مباحث اصلی علم اخلاق به شکل شایسته ای بیان شده است و دیدگاه های فلاسفه یونان نیز به خوبی تبیین گردیده است. مسکویه ابتدا به مبادی علم اخلاق یعنی شناخت نفس، قوا و فضایل آن پرداخته و سپس راههای رسیدن به فضیلت و سعادت را تبیین می کند. این کتاب در هفت مقاله نگاشته شده است که مقاله اول به غرض شناخت انسان تدوین شده است. مقاله های دیگر عمدتاً به مباحثی چون تعریف خلق و تقسیم آن به طبیعی و اکتسابی و نیز موضوع عدالت، محبت و دوستی مردم به یکدیگر، درمان بیماری های نفسانی و ... می پردازد. مصنف در مقاله دوم برنامه تهذیب کودکان را به صورت مفصل مطرح کرده است و به خوانندگان توصیه می کند که تربیت کودک باید بر اساس سیر طبیعی پیدایش قوا، ابتدا باز قوه شهویه، سپس قوه غضبیه و بعد از آن قوه عاقل باشد.

از این رو، والدین باید از همان ابتدای کودکی به تأدیب و تهذیب نفس کودک اهتمام داشته باشند و او را از هم‌نشینی با دوستان نامناسب و نیز تن‌پروری و رفاه بیش از حد و توجه به زخارف دنیوی برحذر دارند، بلکه توجه فرزند خود را به معنویات و امر دین جلب کنند. (مسکویه، ۱۳۹۸، ۷۰-۷۱)

این دستورها با توجه دادن والدین به تأثیر شیر در انتقال پلیدی‌های زن شیرده به کودک و اینکه آن زن باید متدین باشد و از غذای حلال استفاده کند، آغاز می‌شود و پس از توصیه به تقویت خوی حیا در کودک، به آداب غذاخوردن و لباس پوشیدن و دوست‌یابی، فراگیری خواندن و نوشتن و یادگیری قرآن و حدیث و اشعار نیک و احوال نیکان می‌پردازد. در ادامه هم به آداب دیگر، چون نشست و برخاست و صحبت کردن و بازی، و سرانجام دستوره‌های مربوط به پس از بلوغ (یعنی توجه به اقامه نماز و روزه و یادگیری برخی تکالیف و احکام شرعی مورد نیاز) التفات می‌کند. (مسکویه، ۱۳۹۸، ۶۸-۷۵)

نتیجه‌گیری

یکی از شاخه‌های مهم اخلاق، اخلاق کاربردی است که نقش مهمی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند. در روایات امامان شیعه و در تالیفات علمای شیعه شاهد نگاشته‌هایی در این عرصه هستیم. چنانکه تقریباً تمام امامان شیعه به مباحث تربیت فرزند پرداخته‌اند لکن فرموده‌های امام علی، حسن، حسین، رضا علیهم السلام سهم بیشتری را ایفا می‌کند. در تالیفات علمای شیعه نیز شاهد اخلاق تربیت فرزند هستیم که از جمله مهمترین آنها می‌توان به خواجه نصیرالدین طوسی، علامه دوانی، ابن مسکویه و ... هستیم. گرچه در این مقاله به برخی از مصادیق اخلاق کاربردی از جمله تربیت فرزند در اسلام پرداخته شد لکن با بررسی بیشتر تالیفات علمای شیعی می‌توان اولاً تالیفات دیگری در عرصه اخلاق تربیت فرزند و نیز مصادیق بیشتری از اخلاق کاربردی معرفی کرد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین.
۲. ابن مسکویه، ابو علی (بی تا)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: انتشارات بیدار.
۳. ابن مقفع، عبدالله (۱۳۱۲ش)، الادب الوجیر للولد الکبیر، مقدمه استاد عباس اقبال، تصحیح سید عبدالرحیم خلخالی، تهران: بی جا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۶. ابوطالبی، مهدی، (۱۳۸۸ش)، تربیت دینی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.
۷. احمد بن محمد مسکویه، (۱۳۹۸ق)، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، بیروت، چاپ حسن تمیم، چاپ افست اصفهان، بی تا.
۸. آشتیانی، میرزا احمد و شاگردان، (۱۳۶۳ش)، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، تهران، کتابخانه صدوق، چاپ سوم.
۹. بهاری همدانی، شیخ محمد (۱۳۶۱ش)، تذکره المتقین، تهران: انتشارات نور فاطمه، چاپ دوم.
۱۰. تهرانی، آقابزرگ (۱۳۵۷)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران: کتابخانه اسلامیه.
۱۱. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶)، اخلاق کاربردی، چالش ها و کاوش های نوین در اخلاق عملی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۱۲. ری شهری، محمد، (۱۳۸۲ش)، منتخب میزان الحکمه، سید حمید حسینی، قم، دارالحديث، چاپ دوم.
۱۳. الزبیدی، محمد مرتضی، (بی تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار مکتبه الحیاء.
۱۴. شارل هانری، دو فوشه کور (۱۳۷۷)، اخلاقیات، ترجمه محمد علی امیر معزی و عبدالحمید روح بخشان، تهران مرکز نشر دانشگاهی.

۱۵. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۴)، *اخلاق ناصری*، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علی رضا حیدری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴، چاپ سوم.
۱۶. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۹۰ش)، *اخلاق جلالی*، به کوشش مسعودی آرانی، عبدالله، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۷. عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق)، *مسند امام رضا علیه السلام*، مشهد، آستان قدس.
۱۸. علی بن ابی طالب (۱۳۷۹ش)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات الهادی، چاپ چهارم.
۱۹. غزالی، محمد (۱۴۲۶)، *احیاء علوم الدین*، دار ابن حزم، الطبعة الاولى.
۲۰. غفرانی، محمد (۱۳۵۵)، «*ابن المقفع و تربیت فرزند در اسلام*»، معارف اسلامی شماره ۲۶.
۲۱. غفرانی، محمد (۱۳۸۷)، «*سیری در تربیت فرزند در اسلام*»، الهیات نامه، سال دوم، شماره سوم.
۲۲. فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۹)، *اخلاق کاربردی در ایران و اسلام*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (بی تا)، *العین*، قم، هجرت، چاپ دوم.
۲۴. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۷۶ش)، *الصحیفه السجادیه / ترجمه و شرح فیض الاسلام*، محقق / مصحح: افشاری زنجانی، عبد الرحیم، تهران، فقیه، چاپ دوم.
۲۵. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۳۷۲ش)، *راه روشن (ترجمه المحجّه البیضاء)*، ترجمه سید محمد صادق عارف، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۲۶. قابوس بن وشمگیر، امیر عنصر المعالی کیکاوی بن اسکندر، (۱۳۳۵ش)، *قابوس نامه*، با تصحیح و مقدمه و حواشی دکتر امین عبدالمجید بدوی، کتابفروشی ابن سینا، چاپ اول.
۲۷. گروه نویسندگان، (۱۳۸۴ش) *فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم.

۲۹. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۱ش)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، بی جا، انتشارات

سازمان چاپ و نشر، چاپ سوم.

۳۰. مدرس، محمدعلی (۱۳۶۹)، *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه واللقب*، تهران: کتابفروشی

خیام.

۳۱. مدرسی رضوی محمد تقی (۱۳۷۰)، *احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران: اساطیر، چاپ

دوم.

۳۲. یارشاطر، احسان (۱۳۵۴ش)، *دانشنامه ایران و اسلام*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.